

سلسله مباحث اعتقادی

حلقه‌ی نهم

# ارکان ایمان

دکتر سید محمد کدبنی هاشمی



سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹  
عنوان و نام پدیدآور: ارکان ایمان؛ سلسله مباحث اعتقادی،  
حلقه ی نهم / سید محمد بنی‌هاشمی.  
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۴۰۰.  
مشخصات ظاهری: ۲۵۶ صفحه.  
شابک جلد نهم: ۱ - ۷۵۹ - ۵۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸  
شابک دوره: ۱ - ۶۷۶ - ۵۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.  
موضوع: ایمان  
رده‌بندی کنگره: BP ۲۲۵  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۱۶۰۱۶



شابک: ۱ - ۷۵۹ - ۵۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۳۹ - ۷۵۹ - ۱ - ISBN: 978 - 964 - 539 - 759 - 1

## ارکان ایمان

سلسله مباحث اعتقادی (۹)

سید محمد بنی‌هاشمی

(استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی)

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی: مشکاة

چاپ: صبا

کلیه حقوق اعم از تکثیر، انتشار و بازنویسی (چاپی، صوتی، تصویری،

الکترونیکی و pdf) برای ناشر محفوظ است.



اینستاگرام:  
monir\_publisher

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه اسپردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹

تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)

پست الکترونیک:  
info@monir.com



کانال تلگرام:  
telegram.me/monirpub



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



<https://entezarschool.ir>



@entezar\_school

تقدیم بہ:

ولی اللہ الاعظم عجل اللہ تعالی فرجه الشریف

امام طہ کبیر و وحید و غریب

و «ما معین» ہی کہ اکنون گمشدہ ہی شنکان معرفت است.

از جانب:

ہمسر مکرم حضرت باب الحوائج علیہ السلام

و مادہ ذہر و کریمی اہل بیت علیہم السلام

جناب نجمہ خاتون علیہا السلام

<https://entezarschool.ir>



@entezar\_school

## فهرست مطالب

۱۵	پیش‌گفتار
۱۹	مقدمه
۲۳	بخش اول: صبر
۲۵	فصل ۱: معنای لغوی صبر
۲۶	رابطه‌ی صبر و ایمان
۲۷	انواع و درجات صبر
۲۹	گرفتاری و آسایش نداشتن در دنیا
۳۰	عاقبت به خیری فقط با صبر
۳۱	هدیه‌ی خداوند برای حبیب خود
۳۲	تفسیر جبرئیل از صبر
۳۵	فصل ۲: صبر بر مصیبت
۳۵	حریت در صبر
۳۷	صبر و پاداش سالار شهیدان
۳۸	گذرا بودن صبر و جزع
۳۸	نشانه‌ی بی‌صبری
۳۹	شکایت یعقوب <small>علیه السلام</small> از خدا به مردم



- ۴۰ ..... شکایت فقط نزد خدا
- ۴۲ ..... سه نشانه‌ی صبر
- ۴۳ ..... یادی از صبر زینب کبری علیها السلام
- ۴۴ ..... امتحان «صبر» مردم از جانب خدا
- ۴۵ ..... معنای کلمه‌ی «استرجاع»
- ۴۶ ..... فضیلت کلمه‌ی «استرجاع»
- ۴۸ ..... شکر خدا هنگام یادآوری بلا
- ۴۹ ..... جبران مصیبت به‌خاطر صبر بر آن
- ۵۰ ..... نزول صبر به اندازه‌ی بلا
- ۵۰ ..... خلق صبر پیش از بلا
- ۵۱ ..... درخواست نکردن صبر از خدا پیش از نزول بلا
- ۵۳ ..... فصل ۳: صبر بر طاعت
- ۵۳ ..... میل طبیعی نفس انسان به بدی
- ۵۵ ..... مفهوم «صبر» در التزام به طاعت
- ۵۷ ..... لزوم مرابطه با ائمه علیهم السلام
- ۵۸ ..... پاداش استقامت بر ولایت ائمه علیهم السلام
- ۶۰ ..... صبر در غلبه بر هوای نفس
- ۶۱ ..... صبر در برابر شهوت و غضب
- ۶۲ ..... صبر بر غیبت امام زمان علیه السلام
- ۶۵ ..... فصل ۴: فضیلت صبر در برابر معصیت
- ۶۶ ..... صبر در برابر معصیت: ورع
- ۶۷ ..... جایگاه خاص ورع در دین‌داری
- ۶۸ ..... ورع: کشتی نجات
- ۶۹ ..... ورع: عمل قلبی اختیاری
- ۷۰ ..... تأثیر گناه در سلب ورع
- ۷۱ ..... ورع، حافظ دین





فهرست مطالب □ ۹

۷۳	درجات ورع .....
۷۳	مبغوض شدن گناه برای مؤمن ورع .....
۷۵	پاداش بی حساب برای صابران .....
۷۷	بخش دوم: رضا و تسلیم .....
۷۹	فصل ۱: حقیقت رضا .....
۷۹	«رضا» هدیه‌ی خدا برای پیامبر ﷺ .....
۸۰	معنای دقیق «رضا» .....
۸۱	رضا، عمل اختیاری قلب .....
۸۲	مقایسه‌ی رضا با صبر .....
۸۳	وجه اشتراک رضا و صبر .....
۸۳	تفاوت رضا با صبر .....
۸۵	تلخی صبر و شیرینی رضا .....
۸۷	عظمت مقام «رضا» .....
۸۷	رضای اهل بیت علیهم السلام به شهادت سیدالشهدا علیه السلام .....
۸۸	سازگاری مقام رضا با گریه و عزا .....
۹۰	اوج مقام رضای سیدالشهدا علیه السلام .....
۹۱	جمع‌بندی مقایسه‌ی مفهوم رضا با صبر .....
۹۲	درجه‌بردار بودن رضا .....
۹۳	رضا و تسلیم: نتیجه‌ی معرفت خداوند .....
۹۴	اختیار خدا یا اختیار بنده؟ .....
۹۵	رضا به قضاء تشریعی خدا .....
۹۷	فصل ۲: کفر و شرک در نبودن رضا و تسلیم .....
۹۷	توجه به فضل و عدل خدا در حق بندگان .....
۹۹	مورد سؤال واقع نشدن خداوند .....
۱۰۲	دو درجه‌ی کفر در نبودن رضا .....
۱۰۳	لزوم رضا به حکم خدا و رسول ﷺ .....



۱۰۵	..... امکان عقلی تفویض دین به بنده
۱۰۶	..... اثبات نقلی تفویض دین به پیامبر ﷺ
۱۰۸	..... مواردی از احکام تشریح‌شده‌ی پیامبر اکرم ﷺ
۱۰۹	..... تسلیم به پیامبر اکرم ﷺ: تسلیم به خدا
۱۱۰	..... تفویض دین به ائمهٔ اطهار ﷺ
۱۱۳	..... فصل ۳: رضا: نشانه‌ی ایمان و یقین
۱۱۳	..... رضا: میوه‌ی یقین
۱۱۴	..... درخواست ایمان، یقین و رضا
۱۱۶	..... دلیل اعتماد بیش‌تر از خود به خدا
۱۱۸	..... پرده‌برداری خداوند از خیرخواهی خود نسبت به بنده
۱۲۰	..... یقین به علم، رحمت و قدرت خداوند
۱۲۱	..... مؤمن، محبوب‌ترین خلق خدا
۱۲۳	..... بی‌ایمانی به سبب نبودن رضا
۱۲۴	..... نشانه‌ی ایمان: رضا به خواست خدا
۱۲۷	..... فصل ۴: آثار و برکات رضا
۱۲۷	..... ۱. رضا: رأس طاعت و بندگی خدا
۱۲۸	..... ۲. مقدر شدن خیر برای بنده‌ی راضی
۱۲۹	..... راضی بودن بنده به عقوبت خدا
۱۳۰	..... تأثیر نداشتن خشنود نبودن بنده در قضاء الهی
۱۳۱	..... ۳. دوری از عجب، لازمه‌ی مقام رضا
۱۳۲	..... رابطه‌ی معکوس میان رضای از خدا و عجب
۱۳۳	..... ۴. بی‌نیازی: نتیجه‌ی تسلیم و رضا
۱۳۴	..... بی‌نیازی در قناعت
۱۳۵	..... محبوب‌ترین بنده‌ی خدا در زمان موسی ﷺ
۱۳۷	..... ۵. رفع غم و غصه در اثر رضا
۱۳۸	..... زندگی گوارا در نتیجه‌ی رضا



فهرست مطالب □ ۱۱

۱۳۹	..... امید به رحمت خدا نسبت به گناهان گذشته
۱۴۰	..... ۶. آسایش بدن و آرامش روح: نتیجه‌ی رضا
۱۴۲	..... اجمال در طلب رزق
۱۴۳	..... ۷. به زحمت نیفتادن در برآورده شدن حاجت: اثر رضا
۱۴۵	..... تسلیم شدن به اراده‌ی تکوینی و تشریحی خدا
۱۴۵	..... کفایت کردن بنده توسط خداوند
۱۴۶	..... ۸. اجابت دعا: نتیجه‌ی رضا
۱۴۷	..... ۹. رضای خدا از بنده: مهم‌ترین فضیلت رضا
۱۴۸	..... نشانه‌ی رضای خدا از بنده
۱۵۱	..... بخش سوم: توکل و تفویض
۱۵۳	..... فصل ۱: حقیقت توکل و تفویض
۱۵۳	..... معنای لغوی توکل
۱۵۴	..... شرط اول توکل
۱۵۵	..... شرط دوم توکل
۱۵۶	..... معنای لغوی تفویض
۱۵۷	..... دو رکن تفویض امر به خداوند
۱۵۸	..... توکل و تفویض، دو عمل قلبی اختیاری
۱۵۸	..... رابطه‌ی توکل و تفویض
۱۶۰	..... تعریف جبرئیل از توکل
۱۶۲	..... مبنای توکل بر خدا در قرآن کریم
۱۶۴	..... فراهم کردن اسباب با وجود یأس از آن‌ها
۱۶۵	..... شرک بودن اعتقاد به تأثیر استقلالی مخلوقات
۱۶۹	..... فصل ۲: توکل و یقین
۱۶۹	..... یقین، حدّ توکل
۱۶۹	..... تفاوت ایمان و یقین
۱۷۲	..... حقیقت یقین



- ۱۷۴ ..... سفارش برای طلب یقین و اصلاح نفس
- ۱۷۵ ..... برخی از عوامل تضعیف یقین
- ۱۷۷ ..... تفسیر جبرئیل از یقین
- ۱۷۸ ..... ممکن نبودن خطا در قضا و قدر الهی
- ۱۷۹ ..... امکان استثنا از تقدیر علمی سابق
- ۱۸۰ ..... معرفتی خداوند از ربوبیت خود
- ۱۸۳ ..... بالاترین مرتبه‌ی یقین
- ۱۸۴ ..... مهم‌ترین موارد یقین
- ۱۸۵ ..... یقین به خداوند
- ۱۸۵ ..... یقین به حقانیت مرگ
- ۱۸۶ ..... یقین به مبعوث شدن در قیامت
- ۱۸۷ ..... یقین به حقانیت بهشت
- ۱۸۷ ..... یقین به حقانیت دوزخ
- ۱۸۸ ..... یقین به حساب‌رسی در قیامت
- ۱۸۸ ..... یقین به مرگ، حساب و قدر
- ۱۹۰ ..... خوف اهل یقین، فقط از خدا
- ۱۹۱ ..... یقین به قدر: مبنای توکل بر خدا
- ۱۹۱ ..... جمع‌بندی رابطه‌ی توکل و یقین
- ۱۹۳ ..... فصل ۳: آثار و برکات توکل و تفویض
- ۱۹۳ ..... ۱. وعده‌ی کفایت الهی به اهل توکل
- ۱۹۵ ..... اظهار تعجب از نبود توکل
- ۱۹۶ ..... اظهار تعجب از تفویض نکردن به خدا
- ۱۹۷ ..... لزوم توکل و تفویض در همه‌ی حالات
- ۱۹۸ ..... نتیجه‌ی اعتصام به خدا و خلق
- ۱۹۹ ..... عقوبت یوسف علیه السلام به خاطر یک لحظه غفلت از خدا
- ۲۰۱ ..... ۲. عمل فقط برای خدا و امید فقط به خدا
- ۲۰۴ ..... ۳. چشیدن طعم ایمان از طریق توکل



۲۰۴	۴. غنا و عزّت، نتیجه‌ی توکّل
۲۰۶	۵. بالاترین مرتبه‌ی تقوا با توکّل
۲۰۸	۶. فرار از حيله‌ی شیطان با توکّل
۲۰۹	۷. توکّل: درخت کمالات
۲۰۹	افضل اعمال: توکّل و رضا
<b>بخش چهارم: حقایق ایمان</b>	
۲۱۱	
۲۱۳	فصل ۱: قناعت، زهد و اخلاص
۲۱۳	حدیث هدیه‌ی خدا به پیامبر اکرم ﷺ
۲۱۵	تفسیر جبرئیل از قناعت
۲۱۶	تفسیر جبرئیل از زهد
۲۱۷	معنا و حقیقت زهد
۲۱۹	زهد، نیکوتر از رضا
۲۲۰	اخلاص، نیکوتر از زهد
۲۲۱	یقین، نیکوتر از اخلاص
۲۲۱	توکّل، نیکوتر از یقین
۲۲۲	شاخه‌های توکّل و نردبان زهد
<b>فصل ۲: رابطه‌ی معرفت و عمل</b>	
۲۲۳	
۲۲۴	بافضیلت‌ترین عمل
۲۲۵	ارکان و حقیقت ایمان
۲۲۶	حقایق ایمان: سبب رؤیت قلبی خداوند
۲۲۷	نشانه‌های حقیقت ایمان
۲۲۷	۱. نداشتن معتمدی جز خداوند
۲۲۸	۲. بی‌رغبتی نسبت به دنیا
۲۳۰	۳. ترجیح حقّ مضر بر باطل نافع
۲۳۱	۴. انفاق در حال تنگ‌دستی
۲۳۲	۵. انصاف با مردم از جانب خود

۱۴ □ سلسله مباحث اعتقادی، حلقه‌ی نهم: ارکان ایمان

۲۳۴	۶. بذل علم برای طالب آن
۲۳۵	۷. احمق دیدن مردم در دینشان و عاقل دیدن آنها در دنیایشان
۲۳۹	۸. حبّ و بغض در راه خدا
۲۴۰	۹. حبّ و بغض به خاطر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۴۲	۱۰. ترجیح دادن دین بر شهوت
۲۴۳	۱۱. تفقّه در دین
۲۴۵	۱۲. اندازه‌گیری نیکو در زندگی
۲۴۷	۱۳. صبر بر مصیبت‌ها
۲۴۷	۱۴. حفظ و مراقبت از زبان
۲۵۱	فهرست منابع



## پیش‌گفتار

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْيَقِينَ  
وَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ وَ اثْبِتْ رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي وَ اقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ  
حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ وَ لَا أَتَّقِيَ إِلَّا بِكَ.<sup>۱</sup>

کتاب حاضر، حلقه‌ی نهم از سلسله مباحث اعتقادی است. حلقه‌ی نخست، «نور علم» و «نور عقل» می‌باشد که پایه و اساس همه‌ی معارف اعتقادی است. حلقه‌های سوم تا پنجم در بحث «توحید» و حلقه‌های ششم تا هشتم مربوط به مباحث «عدل الهی» می‌باشد.

مطابق آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام دو رکن «توحید» و «عدل»، اساس دین دانسته شده‌اند. اعتقاد به این دو رکن، یک رشته آثار و نشانه‌های عملی دارد که به وجود آن‌ها، درجه و عمق اعتقادات، معلوم می‌شود. مهم‌ترین این آثار، چند عمل قلبی بسیار مهم‌اند که ریشه و حقیقت ایمان به حساب می‌آیند و سایر آثار عملی، در حقیقت، آثار این آثارند.

در این حلقه، به تشریح این ریشه‌ها می‌پردازیم که نقش حیاتی در ایمان مؤمن دارند؛ به طوری که بدون وجود این‌ها، اصل ایمان محقق نمی‌شود و درجه‌ی ایمان هر

۱. مصباح‌المتجهّد / ۲ / ۶۰۰ (دعای سحر ماه مبارک رمضان).



فرد به درجه و میزان تحقق این اعمال قلبی بستگی دارد.

باید توجه داشت که صرف دانستن مطالب حلقه‌های سوم تا هشتم برای نیل به معرفت پروردگار - که رکن رکین و اساسی‌ترین محور دین داری است - کفایت نمی‌کند. ملاک، عمل به آن‌هاست که در این افعال قلبی تجلی می‌کند. آن‌چه در حلقه‌ی نهم آمده، بر اساس فرمایشی گران‌قدر از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که همه‌ی این افعال را در سخن خود جمع فرموده‌اند:

لَا يَكْمُلُ عَبْدُ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَالتَّفْوِيزُ إِلَى اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَالرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَالصَّبْرُ عَلَى بَلَاءِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

ایمان بنده به خدا کامل نمی‌شود، مگر این‌که پنج ویژگی در او باشد: توکل بر خداوند، تفویض به خدا، تسلیم نسبت به امر خدا، رضا به قضاء الهی و صبر بر بلای الهی.

مباحث این حلقه، از بحث درباره‌ی «صبر» آغاز می‌گردد. در بخش اول، ابتدا حقیقت صبر و سپس انواع آن مورد بحث قرار می‌گیرد که شامل صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت و صبر در برابر معصیت است. به مناسبت صبر در برابر معصیت، موضوع بسیار مهم «ورع» هم در همین بخش مطرح می‌گردد.

بخش دوم به بحث درباره‌ی «رضا و تسلیم» اختصاص دارد. ابتدا حقیقت رضا به قضاء الهی و سپس جایگاه اساسی آن در دین مطرح شده است. موضوع «تفویض دین به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام عَلَيْهِ السَّلَام» نیز به مناسبت بحث تسلیم به خدا و رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در همین بخش طرح شده است. سپس رابطه‌ی رضا با یقین را توضیح داده‌ایم و در فصل پایانی این بخش، به بیان نه اثر از آثار و برکات رضا پرداخته‌ایم.

در بخش سوم، دو رکن دیگر ایمان یعنی توکل بر خدا و تفویض امر به او مطرح شده است. ابتدا تعریف دقیقی از این دو خصلت مهم ارائه شده و سپس به تفصیل، رابطه‌ی یقین را با توکل بر خدا توضیح داده‌ایم. فصل سوم این بخش به بیان آثار و برکات توکل

۱. بحارالانوار / ۷۴ / ۱۷۷.





## پیش‌گفتار □ ۱۷

بر خدا و تفویض به او اختصاص یافته که در آن به هفت مورد از این آثار اشاره شده است.

بخش پایانی کتاب در دو فصل مطرح شده که فصل اول آن، شرح قسمت‌های باقی مانده از حدیث هدیه‌ی خدا به حبیبش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و در فصل دوم، چهارده ویژگی مهم اخلاقی و عملی را توضیح داده‌ایم که در احادیث، حقایق ایمان خوانده شده‌اند.

به این ترتیب حلقه‌ی نهم، همه‌ی مطالب دفتر سوم کتاب عدل را با ویرایش کامل در بر می‌گیرد و جایگزین آن می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت که آنچه در این حلقه آمده، بیان مهم‌ترین آثار عملی و اخلاقی حلقه‌های سوم تا هشتم (توحید و عدل) است. به بیان دیگر، اگر به آنچه در این حلقه آمده، عمل شود، می‌توان گفت که مباحث شش کتاب قبلی به بار نشسته و در غیر این صورت، باید گفت که از آن مطالب، بهره‌ی کافی برده نشده است!

امیدواریم خدای متان به حرمت اربعین اباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام، ابتدا به نویسنده و سپس به خوانندگان عزیز و محترم، توفیق عمل به مطالب این حلقه و حلقه‌های پیشین را عنایت بفرماید! خدا را به و جاهت حبیبش حضرت خاتم الانبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قسم می‌دهم که این تلاش ناقابل را با امضا و تأیید مادر گرامی حضرت فاطمه‌ی معصومه عَلَيْهَا السَّلَام، حضرت نجمه خاتون عَلَيْهَا السَّلَام از صاحب این قلم با نادیده گرفتن نقایص آن، به احسن وجه قبول درگاهش قرار دهد و توفیق تکمیل این حلقات را در آینده‌ی نزدیک به حقیر عنایت فرماید! آمین ربّ العالمین!

سید محمد بنی هاشمی

در آستانه‌ی اربعین حسینی عَلَيْهِ السَّلَام

۱۴ صفر المظفر ۱۴۴۲ هـ ق

۱۱ مهر ۱۳۹۹ هـ ش

<https://entezarschool.ir>



@entezar\_school

## مقدمه

این حلقه به تبیین آثار عملی اعتقاد به توحید و عدل خداوند می‌پردازد که ارکان ایمان را تشکیل می‌دهد. این ارکان عبارتند از: صبر، رضا، تسلیم، توکل و تفویض. اینها ستون‌هایی هستند که ایمان هر کس بر روی آنها استوار می‌ماند و استحکام هر درجه از ایمان به استحکام این ستون‌ها بستگی دارد. در حقیقت می‌توان گفت که مرتبه‌ی ایمان هر فرد، دقیقاً به درجه و مرتبه‌ی استواری و استقامت این ارکان در قلب، و عملکرد او بستگی دارد. اما حافظ و نگه دارنده‌ی این ارکان که روح مشترک همه‌ی آنهاست، همانا حُسن اعتماد به خدای عزّوجلّ در رفتار با بندگان است. از این رو می‌توان همه‌ی پیام حلقه‌ی نهم را در این عبارت خلاصه کرد که: «بنده باید به اختیار خدا در حقّ بندگان، خوش‌بین باشد و به آن اعتماد کند.» و به بیان سلبی می‌توان گفت که: «بنده نباید به قضا و قدر الهی در حقّ بندگان، بدبین باشد و خداوند را در مورد آن، متّهم سازد.»

می‌توانیم این آموزه‌ی مهم را نتیجه و لازمه‌ی اعتقاد به عدل الهی بدانیم؛ زیرا امیر مؤمنان علیه السلام در تعریف عدل فرموده‌اند: «الْعَدْلُ أَنْ لَا تَتَّهَمَهُ»؛ یعنی عدل این است که خداوند را متّهم نکنی و یکی از مصادیق متّهم کردن خدا این است که بنده به

۱. خصائص الأئمة عليهم السلام / ۱۳۴، اعلام الوری / ۲۹۱، متشابه القرآن / ۱ / ۱۰۵.



تقدیر و قضاء الهی در مورد خلق خود، بدبین باشد.<sup>۱</sup> حدیث قدسی عجیبی را امام صادق علیه السلام از حضرت موسی علیه السلام نقل فرموده‌اند که از خداوند پرسید: ای پروردگار من! کدامیک از آفریدگانت نزد تو میغوض ترند؟ خداوند فرمود:

الَّذِي يَتَّهَمُنِي.

آن که مرا متهم کند.

موسی علیه السلام عرض کرد:

آیا در میان آفریدگانت، کسی هست که تو را متهم سازد؟! فرمود:

نَعَمْ الَّذِي يَسْتَخِيرُنِي فَأَخِيرُ لَهُ وَالَّذِي أَقْضِي الْقَضَاءَ لَهُ وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ فَيَتَّهَمُنِي.<sup>۲</sup>

بله؛ آن کس که از من طلب خیر می‌کند و برایش خیر می‌خواهم و آن کس که قضاء خیر برایش می‌کنم اما مرا متهم می‌سازد. «متهم ساختن خدا توسط بنده» یعنی این که به قضاء خیر خدا در حق بندگان، بدبین باشد.

ممکن است سؤال شود که: «آیا در این صورت، قضاء شر را نمی‌توان به خدا نسبت داد؟»

در پاسخ باید ابتدا مفهوم «شر» روشن شود. شری که به خدا اسناد داده می‌شود، اگر امری باشد که ملایم با طبع بنده نیست و او را به رنج و عذاب گرفتار می‌کند (شرّ تکوینی)، در این صورت تعلق گرفتن قضاء الهی به چنین شری، خداوند را متهم به عمل قبیح نمی‌سازد. شری که ممکن است تصور شود اسناد آن به خدا با خیرخواهی او در حق بنده تعارض دارد، امری است که قضاء آن، در ظاهر، هیچ خیری برای بنده نداشته

۱. مصداق دیگر آن - که در حلقه‌ی ششم توضیح دادیم - این است که معتقد بشویم خداوند ما را به انجام معاصی، مجبور ساخته و سپس به خاطر آن، ما را عقوبت خواهد کرد.  
۲. قصص الانبیاء / ۱۶۵.

باشد؛ اعمّ از این که برای او عذاب آور باشد یا خیر.

بدترین فرض ممکن در مسأله این است که خداوند بنده اش را گرفتار عقوبتی کند که در نگاه او، برایش نفعی نداشته باشد. در این صورت باید توجه کنیم که این حالت، صرف نظر از عمل بنده، برای او پیش نمی آید، بلکه قضاء الهی، نتیجه‌ی عدل اوست و بنده، صرفاً کیفر عمل زشت خود را می بیند. البتّه همین کیفر ناگوار می تواند باعث پاک شدن بنده از آلودگی گناهانش شود یا موجبات تنبّه او را فراهم آورد. در این حالت ها، قضاء الهی برای او، قطعاً مصداق «خیرخواهی» است.

اما اگر چنین نباشد و عقوبت بنده در ظاهر هیچ نفعی برایش نداشته باشد، باز هم خداوند متّهم به بدخواهی برای بنده اش نمی شود؛ چرا که همان بنده‌ی مورد عقوبت، عقلاً تصدیق می کند که خداوند اگر بخواهد عادل و حکیم باشد، نباید با «مُحْسَن» و «مُسِيء» رفتار یکسان داشته باشد و نباید عدالت را زیر پا بگذارد. پس عقوبت شدن بنده، از این جهت که نتیجه‌ی عدل و حکمت الهی است، مصداق «خیر» می باشد و اجرای عدالت به نفع همگان است؛ حتّی بنده‌ای که در ظاهر سودی به حالش ندارد. بنابراین شخص او هم از اجرای عدالت نفع می برد؛ چرا که رعایت عدالت به ضرر واقعی هیچ کس نیست.

به تعبیر دیگر اجرای عدالت، از جهت کلی و عمومی، برای همگان مصداق «خیر» است که از این حیث، شامل فرد مجرم و ظالم هم می گردد. اما البتّه از جهت شخصی ممکن است نفعی برای کسی که مورد عقوبت کیفری قرار می گیرد، نداشته باشد. احادیثی نظیر «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ شَرًّا...»<sup>۱</sup> ناظر به نفی خیریت از جهت دوم است و منافاتی با خیر بودن آن از جهت اوّل (که همگانی و برای عموم است) ندارد.

به عنوان مثال جنایت کاری که مرتکب جنایت می شود، باید براساس حکمت و عدالت با او رفتار شود. اگر عقوبت شدنش، حکیمانه باشد، باید کیفر جرمش را ببیند و اگر عفو شدنش، حکیمانه باشد باید مورد عفو قرار بگیرد. البتّه چه بسا هر دو (عقوبت و عفو) حکیمانه باشد. بنابراین دو عامل حکمت و عدالت، تعیین کننده‌ی رفتار

۱. به عنوان نمونه: علل الشرایع / ۲ / ۵۶۱.



منصفانه با او می‌باشد. حال اگر حاکم عادل و حکیم، مطابق قانون عدل با او رفتار کند، می‌توان گفت که از جهت شخصی برای فرد مجرم، خیر نخواستہ است، اما از جهت عمومی (یعنی بانگاهی کلان و رعایت همه‌ی مصالح) براساس حکمتش برای همگان (از جمله شخص مجرم) خیرخواهی کرده است.

در مورد خداوند عادل و حکیم هم باید گفت که ممکن است با بنده‌ی گناهکار، مطابق فضل رفتار نموده و او را عفو نماید که در این صورت قطعاً برایش جز خیر نخواستہ است. اما اگر براساس عدالتش، او را عقوبت کند، قطعاً حکیمانه رفتار کرده و اجرای عدالت، مصداق خیرخواهی عمومی و همگانی است که شامل بنده‌ی مجرم هم می‌شود. البته در این فرض، از جهت شخصی و موردی برای مجرم، اراده‌ی خیر نکرده است. اما چون فرض خلاف حکمت در مورد خداوند حکیم، منتفی می‌باشد، باید بگوییم رعایت خیر و صلاح عمومی، در این حالت، مقدم بوده است.

نتیجه‌ی کلی بحث این‌که:

ممکن است خداوند در موردی خاص، برای بنده‌ای اراده‌ی خیر نکند، اما چون این کار مقتضای حکمت و عدالت اوست، با این رفتار، متهم به بد رفتاری با بنده نمی‌شود و بنده‌ی عاقل، در هیچ صورتی - حتی اگر رفتار خدا با او، به ضررش باشد - خداوند را به ارتکاب بی‌عدالتی و نقض حکمت، متهم نمی‌سازد.

بخش اول

صبر



<https://entezarschool.ir>



@entezar\_school



# فصل ۱

## معنای لغوی صبر

برای شناخت حقیقت صبر، ابتدا به بیان معنای لغوی آن می پردازیم. معجم مقاییس اللغة در معنای صبر چنین آورده است:

الصَّادُ وَ الْبَاءُ وَ الرَّاءُ أُصُولٌ ثَلَاثَةٌ: الْأَوَّلُ الْحَبْسُ...<sup>۱</sup>

صاد، باء و راء ریشه‌های سه گانه است: نخستین [آن‌ها] حبس می‌باشد....

نیز لسان العرب می‌نویسد:

أَصْلُ الصَّبْرِ الْحَبْسُ وَ كُلُّ مَنْ حَبَسَ شَيْئاً فَقَدْ صَبَرَهُ.<sup>۲</sup>

ریشه‌ی (معنای) صبر، حبس است و هر کس چیزی را حبس کند، آن را صبر کرده است.

بنابراین در مفهوم صبر، «حبس» به کار رفته است؛ اما در کاربرد رایج «صبر»، حبس کردن چه چیزی مراد است؟  
راغب در مفردات می‌گوید:

الصَّبْرُ: الْإِمْسَاكُ فِي ضَيْقٍ ... حَبْسُ النَّفْسِ عَلَى مَا يَفْتَضِيهِ الْعَقْلُ وَ

۱. معجم مقاییس اللغة / ۳ / ۳۲۹.

۲. لسان العرب / ۴ / ۴۳۸. نیز بنگرید به: الصحاح / ۲ / ۷۰۶، المحکم / ۸ / ۳۱۲، اساس البلاغة

/ ۳۴۶، النهاية / ۳ / ۷.



### الشَّرْعُ أَوْ عَمَّا يَقْتَضِيَانِ حَبْسَهَا عَنْهُ.<sup>۱</sup>

صبر، عبارت است از خودنگه‌داری در تنگنا... در بند کردن نفس برای عمل به مقتضای عقل و شرع یا نسبت به آنچه عقل و شرع، اقتضای محبوس کردن نفس را از آن دارد.

مفهوم صبر در جایی صدق می‌کند که انسان در تنگنا قرار گرفته و در آن شرایط، بتواند خودنگه‌دار باشد و نفس خویش را مهار کند تا از آنچه عقل و شرع اقتضا می‌کنند، فراتر نرود. به عبارت دیگر، نفس خود را در برابر آنچه عقل و شرع خواسته‌اند، در بند کشد و بتواند آن را مهار کند.

بنابراین، در حالت آسایش و راحتی، زمینه‌ی صبر مطرح نیست؛ چون تنگنایی وجود ندارد و اقتضایی برای حبس نفس نیست. حبس نفس در جایی معنا دارد که شرایط، انسان را به سویی می‌کشاند که عقل و شرع از آن باز می‌دارند. در این حالت، «صبر» یعنی این که انسان بتواند در آن شرایط، بر نفس خود مسلط باشد و در محدودهی عقل و شرع، آن را کنترل کند. این مفهوم عام صبر است که همه‌ی انواع آن را در بر می‌گیرد.

از آن جا که انسان در دنیا همیشه با انواع گرفتاری‌ها دست و پنجه نرم می‌کند و همواره درگیر و دارکشش‌های نفسانی خود است، در همه حال با حداقل یکی از انواع صبر، مواجه است.

### رابطه‌ی صبر و ایمان

پیش از تشریح دقیق این معنا و تطبیق آن بر انواع صبر، خوب است نظری به جایگاه و منزلت صبر از دیدگاه پیشوایان خود بیندازیم. وجود مقدس امام صادق علیه السلام رابطه‌ی صبر و ایمان را این‌گونه تشریح فرموده‌اند:

الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ.<sup>۲</sup>

۱. مفردات الفاظ القرآن / ۴۷۴.

۲. الکافی / ۲ / ۸۷.



بخش اول: صبر □ ۲۷

جایگاه صبر نسبت به ایمان، مانند سر است نسبت به بدن. هرگاه سر برود، بدن هم می‌رود؛ هم‌چنین هرگاه صبر برود، ایمان هم می‌رود. وقتی سر از بدن جدا شود، بدن باقی نمی‌ماند و از بین می‌رود. بقا و حیات بدن به سر است. بدن بدون سر، نمی‌ماند. صبر هم برای ایمان، حکم سر را برای بدن دارد؛ حیات و بقای ایمان به بودن صبر است. اگر صبر نباشد، ایمان باقی نمی‌ماند. نظیر همین بیان نورانی از حضرت زین العابدین علیه السلام نیز نقل شده است:

الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ.<sup>۱</sup>

صبر نسبت به ایمان، به منزله‌ی سر است نسبت به بدن و هر کس صبر ندارد، ایمان هم ندارد.

از این بیانات، اهمیّت و جایگاه صبر کاملاً روشن می‌شود و می‌توان فهمید که اصل دین‌داری، منوط به داشتن صبر است. از امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره چنین نقل شده است:

أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ لَا دِينَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ.<sup>۲</sup>

ای مردم! بر شما باد به صبر کردن؛ زیرا کسی که صبر ندارد، دین هم ندارد. برای تبیین رابطه‌ی صبر با اصل دین، باید ابتدا انواع و درجات صبر را مطابق آنچه در فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده، بدانیم. سپس مفهوم دقیق صبر را در هر یک از آن انواع روشن کنیم تا معلوم شود «چرا کسی که صبر ندارد، دین ندارد و اگر صبر از کف برود، ایمان هم از دست خواهد رفت؟».

### انواع و درجات صبر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انواع و درجات صبر را این‌گونه معرفی فرموده‌اند:

الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ

۱. الکافی / ۲ / ۸۹.

۲. جامع الاخبار / ۱۱۶.



الْمَعْصِيَةِ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ  
ثَلَاثِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ  
وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى  
الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ وَ مَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ  
كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحُومِ  
الْأَرْضِ إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ.<sup>۱</sup>

صبر سه نوع است: صبر در هنگام مصیبت و صبر بر طاعت و صبر در برابر گناه. هر کس بر مصیبت صبر کند تا آن که مصیبت را با شکیبایی شایسته‌ی آن بازگرداند، خداوند برایش سیصد درجه می‌نویسد که میان هر درجه تا درجه‌ی دیگر به اندازه‌ی فاصله‌ی میان آسمان تا زمین است و هر کس بر [انجام دادن] طاعت صبر کند، خداوند برایش ششصد درجه می‌نگارد که میان هر درجه تا درجه‌ی دیگر، به اندازه‌ی میان حدود زمین تا عرش فاصله است و هر کس در برابر گناه صبر کند، خداوند برایش نُهصد درجه می‌نویسد که میان هر درجه تا درجه‌ی دیگر، مانند فاصله‌ی حدود زمین تا بالاترین نقطه‌ی عرش است.

از این فرمایش نورانی، هم انواع صبر و هم درجات آن فهمیده می‌شود. درجه‌ی اوّل، صبر در مصیبت، درجه‌ی بعد، صبر بر انجام دادن طاعت و بالاترین درجه‌ی صبر، در برابر معصیت است. دومی از اوّلی مهم‌تر و سومی هم از دومی مهم‌تر است و هر چه مهم‌تر می‌شود، فضیلت آن هم بیش‌تر می‌شود.

مفهوم کلی صبر در همه‌ی این‌ها صدق می‌کند؛ «حبس نفس» و «خودنگه‌داری در تنگنا» هم در هنگام مصیبت معنا دار است، هم در پایداری و استقامت بر انجام دادن طاعت و هم در خویشتن‌داری در برابر معصیت.

این سه نوع صبر بایک‌دیگر تداخل هم دارند؛ مثلاً در هنگام نزول بلا یا، انسان هم باید بر خودش مسلط باشد و جزع و بی‌تابی نکند، هم بتواند از مسیر طاعت الهی



خارج نشود و هم خودنگه دار باشد که به معصیت نیفتند. روشن است که هر سه درجه‌ی صبر با تحمّل سختی و رنج همراه است و از طرفی زندگی ما انسان‌ها همواره با این موارد درگیر است. دنیای هر کس پُر از گرفتاری و بلاست و همگان با سختی‌ها و ناملايمات، دست و پنجه نرم می‌کنند. از سوی دیگر، همه‌ی ما همواره در معرض انجام طاعت و پرهیز از معصیت قرار داریم. اگر انسان بتواند در همه‌ی این حالات، نفس خود را در چهارچوب عقل و شرع، محبوس نگه دارد و مرزها را در هم نشکند، می‌تواند دین خود را حفظ کند؛ ولی اگر نتواند خویشتن‌داری کند و به نوعی مرزشکنی کند، ایمانش لطمه می‌خورد و دینش آسیب می‌بیند.

### گرفتاری و آسایش نداشتن در دنیا

امیرالمؤمنین علیه السلام در معرفتی دنیا چنین می‌فرماید:

دَارُ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ<sup>۱</sup>

خانه‌ای که با گرفتاری، احاطه شده است.

همه‌جای دنیا و همه‌چیز آن، با گرفتاری و بلا، همراه و عجین است و هیچ‌جا آسایش و راحتی محض یافت نمی‌شود. به فرمایش امام زین‌العابدین علیه السلام:

الرَّاحَةُ لَمْ تُخْلَقْ فِي الدُّنْيَا وَلَا لِأَهْلِ الدُّنْيَا إِنَّمَا خُلِقَتِ الرَّاحَةُ  
فِي الْجَنَّةِ وَ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَ التَّعَبُ وَ النَّصَبُ خُلِقَا فِي الدُّنْيَا وَ لِأَهْلِ  
الدُّنْيَا.<sup>۲</sup>

آسایش در دنیا و برای اهل دنیا آفریده نشده است. آسایش فقط در بهشت و برای اهل بهشت آفریده شده و رنج و گرفتاری در دنیا و برای اهل دنیا آفریده شده است.

در دنیا به دنبال آسایش مطلق نباید گشت. اگر هم آسایشی یافت شود، خالص و

۱. نهج‌البلاغه / خ ۲۲۶.

۲. الخصال / ۱ / ۶۴.

دائمی نیست؛ بلکه همیشه با گرفتاری و رنج عجین است. راحتی محض و بی‌دغدغه در دنیا یافت نمی‌شود؛ همیشه راحتی‌ها با ناراحتی همراه است. هم‌چنین راحتی‌ها همیشه موقتی است و دوام ندارد. به‌طور کلی، راحتی و آسایش مطلق و همیشگی، هیچ‌گاه در دنیا حاصل نمی‌شود. این است که همیشه انسان‌ها با سختی و گرفتاری دست به‌گریبانند و باید به‌صورتی با آن‌ها کنار بیایند که از مرز عقل و شرع فراتر نروند.

### عاقبت به خیری فقط با صبر

از سوی دیگر، استقامت و پایداری در راه انجام طاعات و پرهیز از معاصی، همیشه با مخالفت با هوای نفس و ایستادگی در برابر شهوات آن، همراه است. لذا عاقبت به خیری و بهشتی شدن، بدون تحمل سختی‌ها و رنج‌ها میسر نمی‌شود؛ در حالی که لذت‌طلبی و شهوت‌خواهی، نتیجه‌ای جز سوء عاقبت و جهنمی شدن ندارد و این است سرّ فرمایش امام باقر علیه السلام که فرمودند:

الْجَنَّةُ مَخْضُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا  
دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ جَهَنَّمَ مَخْضُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ فَمَنْ أُعْطِيَ نَفْسَهُ  
لَذَّتَهَا وَ شَهْوَتَهَا دَخَلَ النَّارَ.<sup>۱</sup>

بهشت با سختی‌ها و صبر، احاطه شده است. پس هر که بر سختی‌ها در دنیا صبوری کند، وارد بهشت می‌شود و جهنم با لذت‌ها و شهوات احاطه شده است. پس هر که لذت و شهوت نفس خود را برآورد، وارد آتش می‌شود.

«احاطه شدن بهشت با سختی‌ها و صبر» یعنی این که جز با تحمل رنج و سختی و صبر کردن، نمی‌توان به آن دست یافت و «احاطه شدن جهنم با لذت و شهوت» به این معناست که اجابت خواهش‌های نفسانی، نتیجه‌ای جز ورود در دوزخ ندارد. این جاست که ارزش «صبر» به‌عنوان تنها راه نجات انسان و تنها مسیر بهشتی شدن و تنها طریق خلاصی از جهنم، روشن می‌شود.



### هدیه‌ی خداوند برای حبیب خود

بی دلیل نیست که خدای متعال وقتی می خواهد برای تنها حبیب خود، حضرت خاتم الانبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هدیه‌ای گران بها بفرستد، جبرئیل امین را نازل می کند که با حبیب خدا، این گونه سخن بگوید:

يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ بِهَدِيَّةٍ لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلَكَ.<sup>۱</sup>

ای رسول خدا! همانا خداوند تبارک و تعالی مرا با هدیه‌ای به سوی شما فرستاده که آن را به هیچ کس قبل از شما نداده است.

این بیان نشان می دهد که این هدیه، تحفه‌ای بسیار ارزشمند است که خدا قبل از خاتم انبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هیچ کس حتی پیامبران اولوالعزم عَلَيْهِمُ السَّلَام خود نداده است. این هدیه به حبیب خدا اختصاص دارد که در مورد او در زیارت آل یس چنین می خوانیم:

لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ.<sup>۲</sup>

محبوبی جز او و اهلش نیست.

تنها محبوب خدا، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت ایشانند؛ نه این که خدا کس دیگری را دوست ندارد؛ بلکه اگر کس دیگری را دوست داشته باشد، به خاطر محبت به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عترت ایشان است. خداوند، تنها کسانی را دوست دارد که این ذوات مقدس را دوست دارند.

روشن است که وقتی خدا بخواهد برای چنین محبوبی هدیه‌ای بفرستد، آن هدیه، بسیار بسیار گران بها و ارزشمند است و باید چیزی در خور مقام آن بزرگوار باشد. این هدیه نباید از مقوله‌ی امور مادی و دنیوی باشد؛ بلکه علی القاعده همان چیزی است که عاقبت به خیری و بهشتی شدن را تضمین می کند و آن، چیزی جز تحفه‌ی ارزشمند «صبر» نیست.

۱. معانی الاخبار / ۲۶۰.

۲. الاحتجاج / ۲ / ۴۹۴.

جبرئیل در پاسخ به پرسش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که: «آن هدیه چیست؟» عرض می کند:

الصَّبْرُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ<sup>۱</sup>.

صبر و نیکوتر از آن.

در بخش بعدی روشن می شود که نیکوتر از صبر، «رضا»ست که مرتبه ای بالاتر از صبر است.

### تفسیر جبرئیل از صبر

سپس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تفسیر صبر را از جبرئیل می پرسند و او چنین پاسخ می دهد:

تَصْبِرُ فِي الضَّرَاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي السَّرَاءِ وَ فِي الْفَاقَةِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْغِنَى

وَ فِي الْبَلَاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْعَافِيَةِ<sup>۲</sup>.

در سختی همان گونه صبر داشته باشی که در خوش حالی و در نیازمندی همان گونه صبر کنی که در بی نیازی و در گرفتاری آن گونه صبر کنی که در عافیت.

آن چه حضرت جبرئیل از طرف خدا به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه می دارد، بسیار دقیق و زیباست. حال «ضراء» باهنگام «سراء» مقایسه شده است. «سراء» زمان خوش حالی و نشاط و شادابی است. در این حال، انسان اگر گرفتار غفلت نشود، بسیار شاکر و قدر دان است و از هیچ چیز نمی نالد و شکایتی ندارد. اگر انسان بتواند در حال «ضراء» هم این گونه باشد، به زیور صبر آراسته شده است. ضراء حال سختی و گرفتاری و ناملایمت است؛ حالتی که باب میل انسان نیست؛ بلکه با درد و رنج همراه است.

اگر کسی در این حال مانند زمان خوشی و خوش گذرانی، شاکر و قدر دان الطاف الهی باشد و هیچ گله و شکایتی به درگاه او یا نزد دیگران نداشته باشد، اهل صبر است. هم چنین است در حال نیاز و تنگ دستی که اگر بتواند حال زمان بی نیازی خود را داشته باشد، به صفت زیبای «صبر» متصف خواهد بود. در حال بی نیازی به طور

۱. معانی الاخبار / ۲۶۰.

۲. وسائل الشیعة / ۱۵ / ۱۹۴ به نقل از معانی الاخبار.



معمول کسی از چیزی نمی‌نالند و به اصطلاح غُر نمی‌زنند. بلکه راحت و ساده با ثروت و بی‌نیازی کنار می‌آید و اگر نیازی نداشته باشد، به لطف و عنایت الهی اگر به حرص و رزیدن نیفتد، خود را به گناه آلوده نمی‌کند؛ مثلاً دست به دزدی و خیانت نمی‌زند؛ چون نیازی به این کار ندارد و آن چه می‌خواهد، برایش فراهم است. حال اگر در هنگام نیازمندی و بیچارگی هم بتواند خودش را حفظ کند، یعنی نه از فقر و بیچارگی اش بنالد و نه کنترل و مهار نفس خود را از دست بدهد و به گناه و زیر پا گذاشتن طاعت الهی دست بزند، اهل صبر خواهد بود.

حال بلا و عافیت نیز چنین است. در حال عافیت هیچ کس شکوه و گلایه‌ای ندارد و اگر به حال خود رها نشود، دست به ارتکاب گناه نمی‌زند و طاعت خدا را زیر پا نمی‌گذارد. اگر در حال بلا و گرفتاری نیز بتواند نفس خود را مانند حال عافیت، مهار بزند و تحت کنترل بگیرد، «صبر» محقق می‌شود.

می‌بینیم که این بیان جناب جبرئیل بر سه قسم صبر صدق می‌کند و به دقیق‌ترین وجهی معنای آن را می‌رساند.

البته ناگفته نماند که همه‌ی ما وجداناً بین حال خوشی و ناخوشی، بی‌نیازی و نیازمندی، عافیت و بلا فرق می‌گذاریم و می‌دانیم که حال ما در این حالات مختلف، یکسان نیست. اما ملاک صبوری این است که انسان در حال نیازمندی بر خود تسلط داشته باشد، همان‌گونه که در حال بی‌نیازی بر خود مسلط می‌باشد. نیز در مواجهه با گرفتاری و ندهد و خود را نبازد، همان‌طور که در حال عافیت، چنین نمی‌کند.

بنابراین هر چند در این حالات متضاد، میزان تحمّل انسان یکسان نیست، اما حداقل حدّی که باید در همه‌ی این احوال حفظ شود، همان مفهوم صبر، یعنی کنترل کردن و مهار نفس در چارچوب عقل و شرع می‌باشد.

